

المپی، نخستین میعادگاه صلح و گفت و گو^۱

تاریخچه سرزمین المپ و بازیهای المپیک در دوره باستان

مترجم: اسماعیل سنگاری^۲

المپی و دولت شهر الیس

در دره پهناور و سرسبز آلفه در پلویونز غربی، پرستگاه باستانی المپی تحت نام آلتیس^۳ قرار دارد. آلتیس در جنوب غربی تپه کروئوس^۴ واقع و تقریباً توسط آلفه^۵ بر آب و شاخه‌هایش کلاندئوس^۶ احاطه شده است. این مکان که پوشیده از صنوبر، چنار، بلوط، درختان سپیدار و زیتونهای وحشی، نام آلتیس از همین زیتونهای وحشی به معنی درخت مقدس آمده است. نخستین نشانه‌های آیینی مربوط به دوره میسنی را در خویش تحت نام آیین پلوپس^۷ جای داده است.

گورگاد پلوپس (پلویپون)^۸ همانند همسرش هیودامی^۹، شاید مرکز اصلی پرستش در آلتیس بوده است. در همان عصر، اگر آن را زمانی نزدیکتر در نظر بگیریم، همچنین احتمالاً پرستش کروئوس^{۱۰} بر تپه پوشیده از درختی که بر آلتیس مشرف بود، صورت می‌پذیرفت. در این مکان همچنین می‌توان پرستشگاههای مادر خدایان،^{۱۱} رتا،^{۱۲} گایا،^{۱۳} الینا،^{۱۴} هراکلس ایلیوس^{۱۵} و دیگر خدایان را مشاهده کرد. از این عصر، بازیهای به افتخار خدایان و قهرمانان سازماندهی می‌شدند که در پرستشگاهی که به پیز^{۱۶} تعلق داشت انجام می‌گرفتند. این بازیها که در بلای امر، بازیهای ساده محلی بودند، به زودی ساکنان شهرهای همسایه پیز و احتمالاً ساکنان دیگر شهرهای نور از پلویونز را به سوی خویش جذب کردند.

در طی تهاجم دوریانیها^{۱۷} در ۱۱۰۰ قبل از میلاد، قبایل اتولی^{۱۸} که از شمال یونان و به سرکردگی اکسی‌لوس^{۱۹} آمده بودند، به الید^{۲۰} رسیدند. در آنجا مستقر شده و همانند آنچه تزه در آتن انجام داد، ساکنان آبادیها را در اطراف الیس^{۲۱} گردهم می‌آوردند. با این گردهمایی (synoikismos) ساکنان الیس به قدرتمندترین دولت شهر الید تبدیل می‌شود و به تدریج سلطه‌اش را بر دولت شهرهای کوچک همسایه و بالطبع پیز می‌گسترانند. در این شرایط، پرستگاه المپی به سرعت گسترش یافته، به زودی به مرکز فرهنگی بسیار مهمی تبدیل می‌گردد. از سوی دیگر، با حضور قبایل اتولی، دوری در آنجا، به نظر می‌رسد که پرستش زئوس المپی و هراکلس در آلتیس زاده می‌شود. از آن زمان، آلتیس نام المپی را بر خود می‌گیرد و دو گوه واقع در آن که آلفه را به دو نیم می‌کند، همانند آنچه در تسالی بود. «المپی»^{۲۲} و «لوسا»^{۲۳} نامیده می‌شوند.

دوره تاریخی (سده‌های ۸ و ۷ پیش از میلاد)

سال ۷۷۶ قبل از میلاد نه تنها برای المپی، بلکه برای سراسر یونان، سالی پراهمیت تلقی می‌شود. در آن سال بازیها سازماندهی می‌شوند و از آن زمان هر چهار سال یک‌بار در المپی بازیهایی برگزار می‌شد. در آغاز تنها یک بازی برگزار می‌شود و آن مسابقه دو و میلانی یک استادی بود که وقف هراکلس شده بود. بدین‌سان، المپی مرکز فرهنگی یونان

فهرستهایی که بر آنها نام فاتحان مسابقه دو و میدانی و المپياداهي که برگزار می‌شد، حک می‌شدند، به منزله مبنای برای یک واقعه‌نگاری واحد در نظر گرفته شد که مورخان دنیای یونانی از آن بهره می‌جستند. بدین‌سان سال ۷۷۶ قبل از میلاد را می‌توان سال آغاز عصر تاریخی یونان قلمداد کرد. با سازماندهی مجدد بازیهای المپیک، مکتوبی که بر فلزی نقر و به ایزد وقف شده بود، حاکی از ترک مخاصمه و برقراری صلحی موقت بود که این صلح به شاه الید، ایفی‌توس^{۲۲} و شاه اسپارت^{۲۳} لیکورگ^{۲۴} نسبت داده می‌شود. بر پایه نظر ارسطو، مکتوب این عهدنامه بر دیسکی مغرغی نقر شده بود که تا زمان پیوزانیاس^{۲۷} وجود داشت و در معبد هرا^{۲۸} نگهداری می‌شد. این صلح موقت که تحت حمایت زئوس منعقد شده بود، به زودی همانند قانونی مقدس بر سراسر یونان تحمیل شد. این قانون یادآور می‌شد که حدود یک ماه از سال شهرها باید از دشمنی با یکدیگر بپرهیزند، بدین‌معنی که برای دنبال کردن بازیها و آزادی رفت و آمد تماشاگران و ورزشکاران دو و میدانی در المپي و بازگشت کلیه افراد به زادگاهشان، کلیه شهرها موظف‌اند که از تعرض به یکدیگر دوری جویند. افزون بر این، مطلق این قانون، ایالت «الید» آزاد و مقدس اعلام شد و ورود به آن برای کلیه افراد مسلح ممنوع بود و بیشتر، این منع مشمول حال دشمن مسلحی بود که می‌خواست از سرحدات آن عبور نماید.

در طول چندین قرن، صلح مقدس توسط تمامی ایالات و دولت، شهرهای یونانی و حتی از جانب قدرتمندترین آنها محترم و محفوظ داشته می‌شد. بدون شک، قدرت اتحادیه یونان که در بد پرستشگاه المپي بوده است، هنوز هم شایان توجه است، بخصوص اگر در نظر آورییم که ایالت «الید» از منظر جغرافیایی، سرزمینی دورافتاده و تنها، در کنج شمال‌غربی پلپونز بوده که از رویدادها و حوادث مهم تاریخ یونان به دور مانده بوده است و از سوی دیگر، هرگز قدرت نظامی نیرومندی درصدد تسلط بر آن نبوده و اصولاً چنین قدرتی در یونان وجود نداشته است.

آزمون مسابقه دو و میدانی یک استادی که تنها بازی نخستین المپيادها نیز بوده است، همچنین دیگر آزمونهای برگزار شده در میدان مسابقه، دیول^{۲۹} (۲ دور دو به دور استادیوم)؛ کولیکوس^{۳۰} (دو استقامت)؛ پنتاتلون^{۳۱} (حرکات پنجگانه)؛ کشتی و مشتزنی، که جملی که در طی قرن ۸ و آغاز قرن ۷ قبل از میلاد در المپي با موفقیت برگزار می‌شدند، توسط اتولی، دوریهای الید به طور مستقیم با اداره اموال پرستشگاه مرتبط شدند. این اتولی، دوریها در آلتیس پرستش خدایان المپي و هراکلس پهلوان را که کاملاً آیینی دوریایی بود، تحمیل کردند.

در قسمت اعظم قرن ۷ قبل از میلاد، قدرت حاکمیت بار بسیار ضعیف می‌نمود و بعد از یک رشته نزاعهای مصیبت‌بار با همسایگان، در شمال با دیمه‌ایها^{۳۲} و در جنوب با بیزاتها^{۳۳}، الید بیشتر سرزمینهای را که در طی سده‌های پیش فتح کرده بود، از کف داد و اداره پرستشگاه دگر باره به بیزاتها، بر پایه نظر استرابون^{۳۴} در ۶۷۶ پ. م یعنی در طی المپياد بیست و ششم، واگذار شد. بدین‌سان، تحت حاکمیت فرمانروایان مقتدر (پانتولون^{۳۵} و داموفون^{۳۶}) و با حمایت فیلون آرگوس^{۳۷} آرکادیان و مسینیان، بیزاتها بر الید و پرستشگاه المپي، قدرت خویش را می‌گسترانند. شاید تحت‌تاثیر آرگوس^{۳۸} است که می‌بینیم پرستش هرا در این دوره در آلتیس ظاهر می‌شود و معبد آن به منزله کمپترین پرستشگاه معرفی می‌گردد. بدون شک، به همین خاطر باید به اطلاعاتی که پیوزانیاس در اختیار ما می‌گذارد، توجه بیشتری نماییم؛ بدین‌قرار که این ساکنان اسکی‌لونت^{۳۹} (شهری که جزئی از پیز یا دست‌کم متحد پیز بود) بودند که هرایون^{۴۰} را بنا نهادند.

افزون بر این، تصادفی نیست که می‌بینیم برای نخستین‌بار در طی این سده، مسابقه گردونه‌رانی در المپي برگزار می‌گردد، آن هم به یاد پیروزی که در مسابقه‌ای مشابه، یک پردوریایی، پلوپس میسنی، در برابر اوی‌نوماوس^{۴۱} (حاکم پیز) کسب می‌کند. از آن زمان، مسابقات بر پایه دوسنت، که یکی از آن مسینیان و آن دیگر از آن دوریانها بود، با مسالمت در پرستشگاه برگزار می‌شدند، در حالی که سعی بر آن بود افتخارات را مابین خود تقسیم نمایند.

وانگهی المپي از هاتفت معروف نیز بهره‌مند بود. یامیدها^{۴۲}، فرزندان یاموس^{۴۳}، پایه‌گذار افسانه‌ای پزگویی، و کلیتیادها^{۴۴} از نسل کاهنی دیگر، از روی پزگویی آتش قربانیهایی که به محراب زئوس پیشکش می‌شدند، پیشگویی خویش را اعلام می‌کردند. آنان منصب کاهنی را در طی بیش از هزار سال برای خویش حفظ کردند. این هاتفت که از آغاز عصر آرخاییک^{۴۵} معروفیت خویش را کسب کرده بود مدت زمان بسیاری طول کشید تا این که توسط هاتفتان دلف پس زده شد.

الیس و المپي در سده‌های ۶ و ۵ پیش از میلاد
با آغاز سده ششم پیش از میلاد، الیس تمام قوایش را جمع کرده، به اصلاحات سیاسی مهمی مبادرت ورزید. بدین‌سان، اساسنامه به شدت الیگارشیک حکومت این دولت، شهر، پس از آن که در قرن ۹ قبل از میلاد به بعد از حکومت پادشاهی فاصله می‌گیرد، اکنون بسیار تعدیل شده تعداد افراد سهم در قدرت را افزایش می‌دهد.
منصب هلاودیس^{۴۶} (عضو هیئت منصفه) دیگر موروثی



نیست، بلکه برای تمامی شارمندان الید به صورت انتخابی درمی‌آید. تعدادشان نیز از دو تن درمی‌گذرد و در طی سده ۵ قبل از میلاد به ۱۰ تن می‌رسد.

الیس به یاری نیروهای اصلاح طلب خویش و به منزله متحدی برای اسپارت، پیکار نهایی را در ۵۸۰ قبل از میلاد با پیز به انجام می‌رساند و اداره پرستشگاه را دگر بار برعهده می‌گیرد و این منصب را تا پایان دوره رومی حفظ می‌کند. در ۳۶۴ قبل از میلاد، پیز دگر بار تالاشی را برای کنترل مجدد پرستشگاه انجام می‌دهد اما تلاش این سرزمین به قیمت نابودی تمام و کمال شهر پیز به فرجام می‌رسد. در ۳۶۴ قبل از میلاد آرادیدان تلاش می‌کند تا حکومت پیزانها را دگر بار احیا کنند، آنان پرستشگاه را تصاحب کرده، به یاری پیزانها، بازیهای این سال را برگزار می‌کنند، اما یزودی عقب می‌نشینند و اداره و قیمومیت پرستشگاه دگر بار از آن الیدیان می‌شود. به هر روی، دوره نوام با آرامش، آبادانی و رفاه برای پرستشگاه و به ویژه برای سراسر سرزمین الید در ۵۸۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود و ما می‌بینیم که این شرایط در قسمت اعظم سده ۶ قبل از میلاد حکم فرماست.

در طی این دوره، در حالی که دیگر دولت - شهرهای یونانی با پیکارها، جنگهای داخلی و شورشها از پای درآمده بودند، الیدیان به لطف حمایت زئوس، صلح موقت و احترام عمومی که از سوی دیگر دولت - شهرها نصیبشان شده بود. و تا پایان قرن ۵ قبل از میلاد دوام داشت. در صلح و آرامش روزگار می‌گذرانیدند در واقع حتی وقایع تاترانگیز و حاد جنگهای مدیک^{۳۷} (حدید ۴۸۰ پ. م) چندان بر آنها اثر نداشت و آرامش حاکم بر آنها را تنها لدکی تحت تاثیر خویش قرار داد.

پوزانیاس (کتاب ۵، ۱۶، ۵) شرایط آرام و تواه با صلح و رفاه حاکم بر الید را که بر تمامی شهرهای این سرزمین حاکم بود این گونه توصیف می‌کند: «گفته می‌شود هنگامی که داموفون جبار پیز بود، مصائب بسیاری بر الیدین وارد آمد. با مرگ داموفون، پیزانها این مسئله را انکار کردند که با جبار در نابودی سرزمین الید مشارکت داشته‌اند. الیدین نیز به نوبه خویش، بر آن بودند تا از مصائبی که تاکنون بر آنها وارد می‌آمد، جلوگیری کنند. بنابراین از هر یک از ۱۶ شهر الید مستترین زن را. که در توانایی برتر از دیگران می‌نمود و از ارج و احترام زیادی در میان دیگر زنان برخوردار بود برگزیدند تا به مشاجرات و نزاعهای بین شهرها پایان دهند. این ۱۶ زن بین پیزانها و الیدیان صلح را برقرار کردند. دیر زمانی بعد، سازماندهی مسابقات هرایا^{۳۸} (مسابقات بین دختران جون) و ساخت قایق بادبانی هرا به آنان سپرده شده.

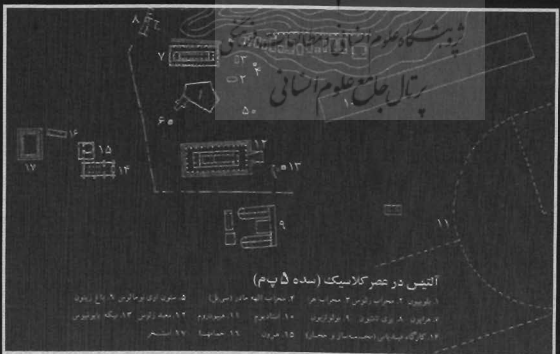
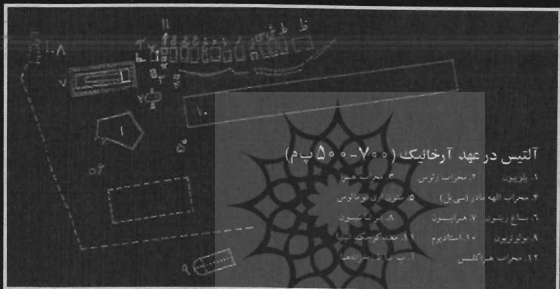
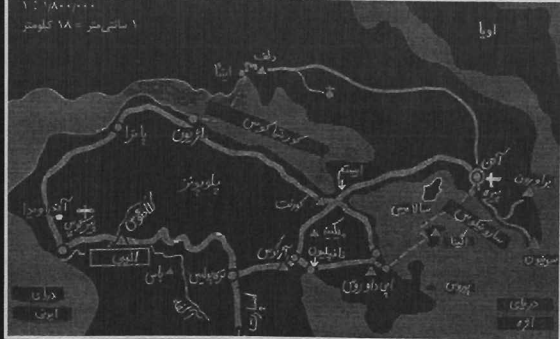
افزون بر این، سرزمینی که الیدیان در آن سکنی داشتند یکی



از حاصلخیزترین سرزمینهای یونان بود؛ ناحیه‌ای آبرفتی با زمینهای اغلب هموار و شنی که به وسیله دور رود بزرگ آلفه و پینوز^{۳۹} و بارندگیهای متناوب و فراوان (۹۰ تا ۱۰۰ cm در سال) آبیاری می‌شدند. این سرزمین دارای آب و هوایی بسیار مطبوع و کمترین درجه حرارت آن بین ۱۰ تا ۱۱ درجه سانتیگراد بود. بدین‌سان، ساکنان آن تمامی تلاش خود را مصروف کشاورزی و پرورش احشام می‌کردند. حاصلخیزی خاک در نوره باستان به ساکنان آن اجازه داده بود که در شهرهای کوچک، دهکده‌ها و ویلاقات. در سراسر سرزمینی که تحت حاکمیت الید بود. پخش شده، در آنها سکونت گزینند. استرابون (کتاب ۸، ۳۲۶) ضمن تایید این مطلب می‌گوید: «این دولت. شهر از دهکده‌هایی تشکیل می‌شد.» بنابراین الید سرزمینی بود که به تنهایی از عهده نیازهای غذایی خویش برمی‌آمد و برای همین، نیازی نبود که با سرزمینهای دیگر به داد و ستد. برای تامین مواد غذایی و دیگر نیازهای خویش - بپردازد. افزون بر این، دولت شهر الید با قوانین متناسب و به جای خویش از این طرز زندگی حمایت پشتیبانی می‌کرد. آنان برای احتراز از شهرنشینی، دادگاههای بسیار بسیاری را سازماندهی کرده در دهکده‌های بر مکانی مستقر شده، به نزاعهای شارمندان رسیدگی می‌کردند. پولیب^{۴۰} (ک ۴، ۷۷) روش زندگی ساکنان الید را برای ما این گونه به تصویر می‌کشد:

«... زیرا الیس با جمعیت زیاد و انبوه بردگان، دارای منازل ویلاقی است؛ بدین سان بر دیگر سرزمینهای پلپونوز رجحان ندارد. در واقع، تعدادی از الیدیان چنان به زندگی در ویلاقات عشق می‌ورزند که برخی از آنها خوشبخت‌اند از این که در طی ۲ تا ۳ نسل پیش از خویش، هرگز به مرکز این سرزمین نرفته‌اند این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که آنانی که مناصب سیاسی را اشغال کرده‌اند عنایت خاصی به همشهریان خویش دارند؛ به گونه‌ای که به امور قضایی ساکنان. که اموری خسته‌کننده و کسل‌آور است. رسیدگی کرده دیگر نیازهای ضروری شارمندان را رفع و رجوع می‌کنند. بر این باورم که این مردمان از زمانهایی کهن، با این روش زندگی خوی گرفته، خود را با آن مطابقت داده‌اند و با این که سرزمین این مردمان گستره وسیعی را دربرمی‌گیرد، تنها یک قانون را به خویش دیده است. البته باید یادآور شد که الیدیان از زمانهای نوری هیچ آزمونی را. که در آن بلایای بزرگ یا تهدیدات جنگی باشد. از سر نگذرانده‌اند؛ و این نیز بدین دلیل است که براساس حق و امتیازی که از سوی همه یونانیان به آنها عطا شده است. به لطف بازیهای المپیک. آنها در سرزمینی مقدس روزگار می‌گذرانند که برای دشمن نفوذناپذیر است؛ بدین‌سان آنان زندگی تقدس مآبانه‌ای دارند.»

شاخصه کشاورزی و شنبانی الید با پرستشگاههای بی‌شمار و



جنگلهای مقدس کوچکی که در سراسر پهنه وسیعش پراکنده‌اند، کامل می‌شود. استرابون (ک ۸، ۳۴۳) در این باره تذکر می‌شود:

«در تمام سرزمین [الید] پرستشگاههای آرتیمیس،^{۵۱} آفرودیت^{۵۲} و نمفها^{۵۳} به چشم می‌خورد. این پرستشگاهها در ییشه‌های آکنده از گل که از آب فراوان مشروب می‌شوند، قرار دارند. همچنین اغلب می‌توان پرستشگاههای هرمس^{۵۴} را در نزدیکی جاده‌ها و از آن پوزئیون^{۵۵} را بر سواحل مشاهده کرد.»

خصیصه دیگر سرزمین الید را می‌توان این گونه برشمرد که هم و غم اصلی این دولت. شهر، حداقل تا سده پنجم پیش از میلاد، بیش از آنکه صرف مسائل سیاسی یا هر مسئله دیگر در حوزه زندگی روزمره مردمان آن شود، مصروف سازماندهی بازیهای المپیک می‌شد. بازتاب این خصیصه را می‌توان در آگورای الیس (L'Agora d'Elis) مشاهده کرد که مشتمل بر چندین دالان ورودی و محل تدارکات پرستشگاه المپی بود. بر پهنه وسیعی از آگورای الیس بناهای متناسب با بازیها ساخته شده بود: از ژیمناز^{۵۶} و پالستری^{۵۷} برای تمرین و آماده‌سازی ورزشکاران الیدی یا ورزشکارانی که از شهرهای مختلف یونان می‌آمدند. همچنین مکان استراحت و پورتیک هلانودیس^{۵۸} نیز از دیگر بناهای آن بودند.



افزون بر این بناها، معابد و پرستشگاههایی نیز به چشم می‌خوردند، درحالی که فاقد هر نوع سازه‌ای بود که می‌توانست متناسب با نوع زندگی عمومی مردم آن نواحی باشد؛ حتی کوشک مرکزی نمایندگان مردم (بولوتیون)^{۵۹}، در یکی از ۲ ژیمناز بود. الیدیان حتی اسپهباشان را در مکانی از آگورا که هیپودروم (Hippodrome) نامیده می‌شد، آموزش می‌دادند.

نتیجه‌ای که آشکارا عایدمان می‌شود، این است که بر آگورای الیس، روح بازیها حاکم بود، در حالی که دیگر فعالیتهای حکومتی در درجه دوم اهمیت قرار داشتند. وانگهی به دلیل عدم تمرکز اماکن دولتی و از آنجا که قسمت اعظم اماکن دولتی آن در جای جای آن پراکنده بودند،^{۶۰} دغدغه خاطر ساکنان سرزمینهای آن مشهود بود.

افزون بر این، مهمترین و کهنترین مشاغل عمومی این سرزمین از آن کسانی بود که با پرستشگاه المپی و با بازیها در ارتباط بودند: هلانودیس‌ها (Hellandices)، مانتیس (Manteis): پیشگویان، هیاروماثوی^{۶۱} (هاتفان بزرگ) و دیگران از آن جمله بودند.

پس از جنگهای مدیک (۴۷۱ پ م)، سینیسم^{۶۲} جدیدی (گردهمایی ساکنان)، پس از دوره اوکسی‌لوس^{۶۳} که مربوط به دوره‌ای بسیار دور بود و به آن اشاره شد. در مرکز این

سرزمین صورت گرفته الیس از آن زمان یکی از بزرگترین شهرهای پولوپون گردید. در آنجا اکثر حاکمان سیاسی گردهم آمدند و اتحادیه‌ای را تشکیل دادند در حالی که سرزمینهای کوچک الیس. دهما Demes. قسمتی از حاکمیت و خودمختاری پیشین خویش را از کف دادند. با این حال، مهمترین تغییر مربوط به واگذاری امتیازات جدیدی بود که اولیگارشها را واداشت که همانند آن، در حق طرفداران دموکراسی روا دارند و بدین سان آنان نیز در امور عمومی این سرزمین به طور مستقیم، مناصبی را عهده‌دار شدند. از آن زمان قدرت سیاسی به طور متناوب، گاهی در اختیار طرفداران دموکراسی و گاهی در اختیار طرفداران الیگارشی بود.

از ربع آخر سده پنجم پیش از میلاد، تغییر شگرفی در زندگی مردمان این سرزمین روی داد. الیدیان در نزاعهای میان دولت. شهرهای یونانی، دیگر به منزله عنصری خنثی و بی‌طرف نبودند. آنان گاهی به عنوان متحدی فعال برای اسپارت، گاهی برای آتن و زمانی دیگر، برای دیگر دولت. شهرهای یونانی بودند و بدین سان، هر نتیجه‌ای که در جنگها برای متحدانشان به وقوع می‌پیوندد، آنان را نیز تحت تاثیر خویش قرار می‌دهد. سپاهیان دشمن اغلب در الید نفوذ کرده، آن را غارت می‌کردند و پرستشگاه المپی را نیز به یغما می‌بردند.

صلح مقدس که در طی سده‌های پیشین همواره محترم داشته می‌شد، اکنون توسط جهان یونانی مورد تجاوز و هتک حرمت قرار می‌گرفت. بروز مصائب و فجایع نتایج غالب این تجاوزات بودند.

پولیب این وقایع را به تغییرات روی داده در روش زندگی الیدیان، به حال خود رها کردن آنان از جانب ژنوس خیرخواه و ترک زندگی پارامیانه که آنها را به گذشته خویش پیوند می‌داد، نسبت می‌دهد. همین تغییرات در اوضاع پرستشگاه المپی روی می‌دهد و ما می‌بینیم که از سده پنجم پیش از میلاد به بعد به تدریج نقش این پرستشگاه کمرنگ و دنیوی می‌شود. در همین نوره، پرستشگاه کم‌کم تبدیل به مکانی برای رقابت سیاسی می‌شود و دولت. شهرها تلاش می‌کنند با توسل به حربه‌های گوناگون با انعقاد پیمانها یا پرداخت پیشکشها و هدایایی به ورزشکاران، تا حد ممکن پیروزیهایی سیاسی را از آن خویش سازند.

بهره‌برداری سیاسی از بازیها و پرستشگاه تا بدان جا گسترش می‌یابد که پس از نبرد خرونه^{۶۴} (۳۳۸ پ. م) فلیپ پنجم و اسکندر کبیر بنای خانوادگیشان را تحت نام «فیلیپون» (philipion) در صحن مقدس برپا می‌دارند.

همین خط مشی سیاسی توسط جانشینان اسکندر پی‌گرفته می‌شود، لذا آنان تلاش می‌کنند موقعیت خویش را در جهان یونانی یا هدایای پیشکشهای گرانبهای از سکه‌ها و نذر و نیازها

به پرستشگاه مستحکم نمایند. با پی گرفتن همین خطمشی سیاسی، رومیان چونان منجیان و بانیان صلح برای جهان یونانی که از هم گسیخته است، در المپی ظاهر می‌شوند و حتی برای توجیه دخالت خویش در امور یونانیان - به گونه‌ای که متقاعدکننده باشد - با تفسیری متناسب با افسانه‌های یونانی که ثابت می‌کند آنان نیز منشی یونانی و هلنی دارند اجازه شرکت در مسابقات المپی را مطالبه می‌کنند. از ۱۲۶ قیل از میلاد به بعد، هنگامی که تمامی یونان مقهور قدرت‌نمایی رومیان می‌شود، دولت - شهر الید استقلال خویش را کاملاً از کف داده، بخش مهمی از ایالت رومی آنجایی (Achai) می‌شود. از آن پس، پرستشگاه هر چند گاهی از افتخارات و عنایات صاحب‌منصبان و امپراطوران رومی برخوردار می‌شود، اما از درخشش و عظمت پیشین بجز بازتاب و طینی ضعیف برجای نمی‌ماند.

بازیهای المپیک

افسانه‌های بازیها یا نبردهای خدایان و قهرمانان در تاریخ اسطوره‌های المپی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند و ما می‌بینیم که به کرات از آنها یاد می‌شود. بر پایه روایات، زئوس در کشتی بر کروئوس غلبه می‌کند؛ آپولون در مسابقه دو و میدانی بر هرمس و در شست‌زنی بر آرس^{۶۵} فائق می‌آید؛ و پلوئیس نیز در مسابقه گردونه‌رانی بر لوی‌نومائوس پیروز می‌شود. همچنین هرakلس اینایوس با تحریک برادرانش کورته^{۶۶} در مشاجره بر سر مسابقه‌های، پس از آن که طول استایوم را مشخص می‌کند، به فرد پیروز شاخه‌ای از زیتون وحشی به شکل تاج اهدا می‌کند. این حکایات اسطوره‌های خلقت بازیهای المپیک باستان را بازگو می‌کنند.

رسالت عمده پرستشگاه المپی همانند دیگر پرستشگاه‌های یونانی، تشبیه بشر با خدایان و قهرمانان - که بدعت‌گذاران و آغازگران مسابقات بوده‌اند - بوده است. هدف و مراد روحانی این بدعت‌گذاران بازیها این مسئله بود که بشر یا کارهای نمایان موفق خواهد شد که خود را از زندگی حیوانی رها کنند. با بیلاری و ورزشین خویش با نیروی جسمانی و تقوایی که طبیعت به وی ارزانی می‌دارد، خود را از قید و بند رها سازد. بدین‌سان، مسابقاتی که در پرستشگاه انجام می‌شد، نمایشی ساده نبوده، بلکه مراسمی رسمی و تشریفاتی بوده است و همان‌گونه که افلاطون می‌گوید: «ژیمناستیک و موسیقی پیشکشهایی از جانب خدایان هستند».

قهرمانان بازیها به حضوررفتگان در درگاه با شکوه الهی و به نخستین نامیرایان پیروز افسانه‌ای تبدیل شدند و در واقع، از این رهگذر، بسیاری از این سرآسمان، پس از مرگشان در شهر زادگاهشان، چونان قهرمانین حرمت داشته می‌شدند.

پیروزی در بازیها، برترین و بزرگترین افتخاری بود که می‌توانست عاید یک میرا شود. پیندار^{۶۷} سرود «تنها آسمان

مغفرتن برای او دست نایافتنی خواهد بود» را به افتخار پیروزی قویسیاس تسالیانی^{۶۸} در المپاد سر می‌دهد. وی درباره فیلاسیداس آژینی (اگینایی)^{۶۹} نیز چنین می‌نویسد:

«بر آن مباحش که زئوس گردی، تو خود تمام و کمالی».

این گونه بود که با چنین بازیهای، عقیده رقابت سالم پایه‌گذاری شد که شالوده آموزش جوانان را در تمامی دولت - شهرهای یونانی به وجود آورد و انگیزه موفقیت را، نه تنها در ورزش، بلکه در دامنه ادبیات، هنر و سیاست موجب گردید. تا جایی که بسیاری از وقایع هنر و المپیدها بدان اشاره داشته‌اند. بدین‌سان، همه آنچه جهان یونانی تصور و سعی در فتح آن را داشته، یعنی اتحاد و صلح. در پرستشگاه‌های یونانیان و به ویژه در المپی به واقعیت بدل شد.

تا زمانی که صلح مقدس برقرار بود، یونانیان تحت حضور ناپایدا و با حمایت خدایان، به نزاعها پایان بخشیده، هم و غم خود را صرف نتایج صلح می‌کردند. خصوصتهای مخرب و جدالهای داخلی، جای خود را برای چندین روز به رقابتی سالم و خلّاق - که تحت قواعد و قوانینی قابل احترام برای همگان برگزار می‌شد - می‌دادند. همچنین در طی برگزاری بازیها، فیلسفان و نویسندگان یونانی نظیر هروdot^{۷۰}، لیزیا^{۷۱}، گورژیس^{۷۲}، آناکسی منس^{۷۳} و ایزوکرات^{۷۴} فرصت ارائه آثار ادبی‌شان را به دست می‌آوردند و عموم یونانیان را به صلح و یاری یکدیگر تشویق و ترغیب می‌کردند.

قدمت بازیهای المپی چیزی در حدود ۲۰۰

سال بیش از دیگر بازیهای صورت گرفته میان یونانیان بود: بازیهای «پیتیک» (Pythiques) در ۵۸۶ قیل از میلاد، بازیهای «ایستمیک» (Isthmiques) در ۵۸۰ قیل از میلاد و بازیهای نمشان (Nemeens) در ۵۷۳ قیل از میلاد وقف و پایه‌گذاری شدند.

در ۷۲۶ قیل از میلاد، در سیه‌دم نوره تاریخی یونان، مسابقه دو و میدانی تنها آزمون بازیهای المپیک بود که تنها یک روز به طول انجامید. دیرزمانی بعد، هنگامی که دیگر مسابقات - که بسیار باشکوه‌تر از دو و میدانی برگزار می‌شدند - پایه‌گذاری شدند، دو و میدانی همچنان جایگاه نخستین خویش را محفوظ داشت. فهرست قهرمانان المپیدها، هرچند که به صورت پراکنده در زیر نشان داده شده، تاریخ آغاز دیگر آزمونها را برای ما روشن می‌سازد:

- المپاد چهاردهم (۷۲۴ پ م)؛ دیول، ۲ دور دو به دور استادیوم
- المپاد پانزدهم (۷۲۰ پ م)؛ دیولخوس^{۷۵}، دوی ۲۴ استادی
- المپاد هجدهم (۷۰۸ پ م)؛ پنتالون، حرکات پنجگانه
- المپاد بیست و سوم (۶۸۰ پ م)؛ مشت‌زنی
- المپاد بیست و پنجم (۶۸۰ پ م)؛ Quadriga، ۸ دور دو



به دور میدان اسپدونای

. المیاد سی و سوم (۶۴۸ پ م)؛ مسابقه سوارکاری (یک دور به دور میدان اسپدونای) و پانکراس (pancrace) که ترکیبی از کشتی و مشت‌زنی بود.

. المیاد سی و هفتم (۶۳۲ پ م)؛ دو و میدانی و کشتی میان کودکان

. المیاد سی و هشتم (۶۲۸ پ م)؛ پنتاتلون، حرکت پنج‌گانه میان کودکان

. المیاد چهل و یکم (۶۱۶ پ م)؛ مشت‌زنی میان کودکان
. المیاد شصت و پنجم (۵۲۰ پ م)؛ مسابقه دو میان هویلیتها^{۷۶} (سربازان سنگین اسلحه یونانی)

. المیاد هفتادم (۵۰۰ پ م)؛ آپنه (apene)، مسابقه گردونه‌رانی با قاطر (این مسابقه در المیاد ۸۴ از بازیهای المپیک حذف شد).

. المیاد نود و سوم (۴۰۸ پ م)؛ سینوریس (synoris)، مسابقه ارایه‌رانی با دو اسب

. المیاد نود و ششم (۳۹۶ پ م)؛ رقابت میان شیورچیان و فلوت‌چیان

. المیاد نود و نهم (۳۸۴ پ م)؛ مسابقه گردونه‌رانی با ۴

کره‌اسب

. المیاد صد و بیست و هشتم (۲۶۸ پ م)؛

مسابقه گردونه‌رانی با ۲ کره اسب

. المیاد صد و سی و یکم (۲۵۶ پ م)؛

مسابقه اسب‌سواری با کره اسب

. المیاد صد و چهل و پنجم (۲۰۰ پ م)؛ مسابقه ترکیبی مشت‌زنی و کشتی میان کودکان

بدین سان با افزایش تعداد آزمونها، مدت زمان بازیها از یک روز که در نخستین المیاد تعیین شده بود. به ۵ روز کامل رسید.

از المیاد پانزدهم (۷۲۰ پ م) ورزشکاران استفاده از کمر بند چرمی را کنار نهادند و بر اساس اطلاع ما از کتب و منابع تاریخی باستان، آنان از آن پس کاملاً عریان به تمرین می‌پرداختند.

در المیادها نظارت و بازرسی بازیها برعهده هلانودیسا (Hellandodices) بود.

آنان همیشه از میان محترمترین و شریفترین شامندان یونان برگزیده می‌شدند. وظایفشان چندین ماه پیش از آغاز بازیها توسط تسموفیلاساها (Thesmophylaces) . نگهبانان

مؤسسات و نوموفیلاساها (Nomophylaces) . پاسداران قوانین . به آنها آموزش داده می‌شد. علاوه بر این تعدادی افراد

به صورت دائمی، از افراد دون‌پایه تا بلندپایه، برای سازماندهی بازیها، قربانی و حفاظت از بناها و غیره همواره در خدمت پرستشگاه بودند. تئوکولها (Theocoles)، هانف زئوس،

اسپوندوفورها^{۷۷} (ساقیان)، پیشگویان، گراماتوس^{۷۸}

(دبیران)، آلی‌تارک^{۷۹} (گردانندگان) با راب دوفورها^{۸۰} (حمل‌کنندگان چوب دستی)، ابی‌میت^{۸۱} (کارپرداز)، اگزوتها^{۸۲} (مترجمان)، نوازندگان فلوت، سراسپن، معمار، پزشک و بسیاری از دیگر افراد جزو این گروه بودند. حق شرکت در مسابقات منحصراً در اختیار کسانی بود که از والدینی یونانی زاده شده از بلو تولد آزاد بودند. در واقع هنگامی که در سده پنج پیش از میلاد، الکساندر، پادشاه مقدونیه بر آن شد تا در بازیها شرکت کند، در بادی امر ملزم شد که ثابت کند از تبار آرگوس است. بدین سان، کسانی که در جنایتی شرکت داشته یا به مقدسات بی‌حرمتی کرده یا صلح مقدس را نقض می‌کردند، از بازیها اخراج می‌شدند.

برای این که ورزشکاری در مسابقات پذیرفته شود، ملزم بود حداقل یک ماه قبل از آغاز بازیها در آید ساکن شده، برای آمادگی رژیم غذایی ویژه‌ای را بی‌گرفته و از قواعد حاکم بر بازیها مطلع می‌شد.

دختران جوان در بازیها شرکت می‌کردند، اما زنانی که از نواج می‌کردند از بازیها کنار گذاشته می‌شدند. تنها مورد استثنا مربوطاً به کاهنه دتر هامی نه (Demeter Hamyne)

بود. بازیها همواره در تابستان، بین ۲۷ ژوئیه و ۲۷ سپتامبر و از آغاز شب چهارده (بدر) برگزار می‌گردید نخستین روز اختصاص به اهدای قربانیهایی به مخراب پلوس، مخراب بزرگ زئوس و مخراب زئوس «هورکیوس» (Horkios)

داشت که در آنجا ورزشکاران سوگند یاد می‌کردند که مطابق قوانین با یکدیگر به رقابت بپردازند. در روز دوم، رقابتها با بازیهایی بسیار ساده آغاز می‌شد و در روز چهارم با رقابتهایی بسیار درخشان (مسابقات سوارکاری و گردونه‌رانی) پایان

می‌پذیرفت. آخرین روز نیز به اهدای تاجی به ورزشکاران و برگزاری ضیافت و جشنی به افتخار پری‌تانه^{۸۳} (Prytane)، اختصاص داده شده بود. تاجها با شاخه‌هایی از زیتون مقدس که با کاردی زرین که توسط جوانی زیبارو که والدیش در قید

حیات بودند، بریده می‌شدند. به هم تلبیبه می‌شد.

درباره تلاش و عملکرد ورزشکاران باید گفت که آنان در پی آن نبودند تا بتوانند بالاترین رکورد ممکن را کسب کنند، بلکه آنچه اهمیت داشته، تقویت قوای جسمانی بود. در واقع، مهمترین اطلاعاتی که ما از عملکرد ورزشکاران در اختیار داریم، بسیار اندک و اغلب جسته و گریخته [از منابع مختلف] هستند.

کسب مقام نخست از میان بهترین ورزشکاران، بزرگترین افتخارات پیروزی و شهرت را به همراه داشت و این خود به تنهایی کافی می‌نمود. بدین سان، یونانیان حرکت پنج‌گانه را ابداع کردند، زیرا این آزمون به توازن تمامی اعضا کمک کرده، قابلیت‌های جسمی بدن را بالا می‌برد و همانند آزمون ایده‌آل، به منزله مهمترین آزمون در نظر گرفته می‌شد.

تاج کوتینوس^{۸۲} (زیتون وحشی) جایزه‌های بود که برای یونانیان از لحاظ مادی بی‌ارزش؛ لکن از لحاظ معنوی، ارزنده و گرانبه می‌نمود. این تاج در شهر زادگاه فرد پیروز به ودیعه نهاده می‌شد. در آنجا ورزشکار پیروز با بیشترین احترامات. با خواندن سرودها و برپاداشتن جشنهایی برای وی - مورد استقبال قرار می‌گرفت و از آن زمان به بعد تا پایان عمر اجازه داشت که بدون پرداخت هزینه، در پربتانه غذا صرف کند. نتیجه این که، در بازگشت یک قهرمان المپیک- زادگاه وی برای اثبات شایستگی قهرمانشان، قسمتی از حصارهای شهر را ویران می‌کردند تا ثابت کنند که شهر با داشتن چنین مردانی، بی‌نیاز از استحکامات خواهد بود. این گونه است که می‌بینیم مجسمه‌های قهرمانان المپیک در آتیس بر پا داشته می‌شد تا یاد پیروزهایشان و این که از سوی جملگی یونانیان مورد تحسین واقع گشتند، از خاطرها زوده نشود.

یونانیان چنان اهمیتی برای این بازیها قائل بودند که حتی گزارش شده است، با وجود این که در طی روزهای بحرانی و خطرناکی که آنان مجبور بودند برای مقابله با پارسیان، با کشیکهای شبانه و شب زنده‌دارها زمین را سپری کنند، باز هم در المپی گردهم آمده هفتاد و پنجمین نوره بازیهای المپیک را (به سال ۴۸۰ پ م) برگزار کردند.

بر پایه روایت هروdot، این رویداد هر چند جایزه قهرمانش تنها تاجی از زیتون وحشی بود، چنان تاثیری بر ملازمان و اطرافیان پادشاه پارس نهاد که یکی از ملازمانش فریاد برآورد: «دریغا! مردونوس، تو ما را علیه کدالین مردمان برای جنگ برانگیخته‌ای؟ اینان نه برای کسب طلا، بلکه تنها برای ادای پرهیزکاری می‌جنگند!»

نخستین المپیا پس از جنگهای میدیک در ۴۷۶ قبل از میلاد، باشکوهی تمام برگزار شد. یونانیان در شادترین لحظات زندگی خویش، بار دیگر در المپی جمع آمدند در حالی که ایمانشان به ایزد محکمر شده، به عنوان انسانهایی آزاد قلمداد می‌شدند. در میان آنها، بزرگ مردی بود که شایسته این پیروزی بزرگ بود. او «میتوستکل»^{۸۳} نام داشت.

بر پایه روایت پلوتارک،^{۸۴} تماشاگران در استادیم برای وی همچون قهرمان المپیک ابراز احساسات می‌کردند و هورا می‌کشیدند و نگاه‌های تماشاگران بازیها، به جای آن که به شرکت‌کنندگان مسابقات معطوف باشد، متوجه وی بود.

باید یادآور شد که به موازات بازیهای مردان، هر ۴ سال در المپی، مسابقاتی بین دختران جوان (به منظور برقراری اتحاد میان یونانیان) برگزار می‌شد. اندیشه یونانی که برای زنان احترام و منزلی قائل بود، نمی‌توانست از برگزاری این مسابقات در المپی چشم‌پوشد. بر پایه افسانه هرایا، که این مسابقات نیز نامش را از آن وام گرفته بود. این بازیها توسط هیودامی - پس از ازدواجش با پلوپس - به افتخار هرا

بازیهای «هرایا» همواره در نیمه هر ۴ سال از المپیا [مردان] سازماندهی می‌شد و مشتمل بر مسابقه دو و میدانی بود که طول مسابقه نیز کمتر از یک استاد (تقریباً ۱۶۰ متر) را در برمی‌گرفت. دختران جوانی که در مسابقات شرکت می‌کردند، شیتون کوتاهی^{۸۷} - که در سمت یک شانه و سینه همان سمت عریان بود - می‌پوشیدند. مسابقات در سه گروه سنی برگزار می‌شد و جایزه آن نیز همانند مسابقات مردان، تاجی از کوتینوس (زیتون وحشی) بود.

تغییرات عمیقی که در حدود پایان سده ۵ قبل از میلاد در دولت - شهر الید و پرستشگاه المپی روی داد، اصلاحاتی را در روح بازیها به همراه داشت. ترک زندگی ساده و بی‌پیرایه که تا آن زمان همواره پیشه الیدیان بود، زیر با نهادن منام و پی‌درپی صلح مقدس، تغییر شکل پرستشگاه از سبک خشن و خشک دوریک - که تا آن زمان رایج بود - به سبک دیگری، بسیار زنده، با روح و غیرآیینی با نمودی از عناصر گوناگون و متنوع یونیک^{۸۸} و سرآخر، جدا شدن پرستشگاه - به معنای واقعی کلمه - از مکان برگزاری مسابقات و انتقال آن به مکانی دور از استادیم، همگی با ظهور ورزش به صورت تخصصی [و به دور از عناصر آیینی] در ارتباطاند. بدین‌سان، تعدادی از فلاسفه که در حسرت اندوهبار گذشته تحریک شده بودند، با یادآوری تغییرات عمیقی که در روح بازیها روی داده بود، به مخالفت با ورزشکاران عصر خویش پرداختند. به اعتقاد آنان، میل دائمی و یکجانبه برای کسب پیروزی و رژیمی که به پرورش مایه‌پچه‌ها و اندام مستهزی می‌شد، دیگر دغدغه خاطر اصلی ورزشکاران نبود و سرگردانی از پرستشگانی به پرستشگاه دیگر به زیان زندگی معنوی در جریان بود. گزنفون کولوفون^{۸۹} نگرانی خویش را از این شرایط که از پایان سده ۶ قبل از میلاد پدیدار شده بود، این‌گونه بازگو می‌کند که بصیرت و تمرینهای روحی و معنوی، در رونق و شکوفایی و قانونگذاری صحیح برای هر شهر، مهمتر از بازان و پاهای یک ورزشکار است. همین ملاحظات زمانی بعد توسط اوری‌پید،^{۹۰} آریستوفان^{۹۱} و سقراط^{۹۲} دگربار بازگو شد و حتی اوری‌پید در این باره اشاره می‌کند: «هزاران تیره‌بخت در یونان می‌زیند، بنابراین هیچ تباری بدتر از تبار ورزشکاران وجود ندارد».

با وجود این، بازیهای المپیک با شکل سازماندهی شده جدیدی در طول چندین قرن به حیات خویش ادامه داد. در عصر هلنیستیک و روم، این بازیها کاملاً حمایت مذهبی خویش را از کف داد و به پیشرفت این عقیده جدید یاری نرساند که یک جامعه جهانی ایده‌آل براساس خطمسی و روش یونانی قادر خواهد بود که به حیات خویش ادامه داده، سخن گفته و بیندیشد.

8. Pelopion

9. Hippodamie

۱۰. Kronos: جوانترین فرزند اورانوس (آسمان) و گایا (زمین) و از دودمان خائیان اولیه و مقدم بر زئوس و المپها بود. زئوس (فرزند وی) سرانجام بر او در جنگی غلبه کرد و او را به تارتار فرستاد. در یونان چنین تصویری شد که مقر وی کوهستان المپی بوده است.

۱۱. (Mere des Dieux): سی‌یل؛ وی را غالباً مادر خائیان یا «مادربزرگ» می‌خوانند و قدرت او در سراسر طبیعت نفوذ داشت و معرف نیروی رستنیها بود.

۱۲. (Rhea): از تیتانها و فرزند گایا و اورانوس بود. رتا به همسری کروئوس درآمد و حکومت دنیا را این دو میان خود تقسیم کردند.

۱۳. (Gaia): گایا، یعنی زمین، عنصر اولیه‌ای است که ساله خائیان از آن به وجود آمدند. گایا را الهام دهنده عده‌ای از هائشان یونانی می‌دانستند.

14. Eileithyia

15. Heracles Idaios

16. Pise

17. Doriens

18. Etoliens

19. Oxylos

20. Elide

21. Ellis

22. Olympe

23. Ossa

24. Iphitos

25. Sparte

26. Lycurgue

27. Pausanias

28. Hera

29. Diaule

30. Dolichos

31. Pentathlon

32. Dymeens

۳۳. (Pisates): ساکنان پیز

۳۴. (Strabon): مورخ و جغرافی‌دان مشهور دنیای باستان که در آماسیه متولد گردید. کتاب جغرافیای وی مشهور است.

35. Pantoleon

36. Damophon

37. Pheidon d'Argos

38. Argos

می‌بینیم که حتی ایزوگرات در قرن ۴ قبل از میلاد اعلام کرده بود: «یونانیان تنها کسانی را شامل نمی‌شود که در یونان زاده شده‌اند، بلکه تمام کسانی را در برمی‌گیرد که به اندیشه یونانی تعلق دارند».

وحدت ملی هلنیسم که المپی سابقاً آن را سرپا داشته، حمایت می‌کرد، اکنون اجتماع (koine) فراملیتی هلنیک به جای آن قرار گرفته است. این جامعه در همه زمینه‌ها یعنی زبان، هنر، فلسفه و علوم بسط و توسعه یافته است. این فضای فراملی، به اتفاق با جهانی کردن بازیها در سده سوم میلادی - هنگامی که در زمان امپراطوران سلسله سور (severe) حق شارمندی رومی به همه ساکنان امپراطوری اعطا شد. تکمیل شد و توسعه یافت. از آن زمان

به بعد است که می‌بینیم تعداد زیادی از قهرمانان المپیک با نام‌هایی خارجی [غیر یونانی] در مسابقات شرکت داشته‌اند: افرادی از مصر، لیدی، فینیقیه و دیگر سرزمینهای آن روزگار.

می‌توان گفت که تنها این مشخصه فراملی مسابقات بود که به یاری بازیهای المپیک کنونی آمد و ما شاهدیم که پس از ۱۵ سده و به لطف زحمات «بارون دو کوبرتن» ۹۳ در سال ۱۸۹۶، بازیهای المپیک در آتن بار دیگر برای نخستین بار برگزار گردید. این چنین با این سازماندهی جدید، بازیهای المپیک قادر خواهند بود سازش میان مردمان دیگر سرزمینها و صلح جهانی را تحقق بخشند.

پانوشتها

۱. این مقاله ترجمه بخشی از کتابی است با عنوان ذیل:

Olympie, L'Altis et le musee, Nikolas Yalouris, Editions D'Art S. Meletzis-H. Papadakis, 10eme edition, Athenes 1991

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان

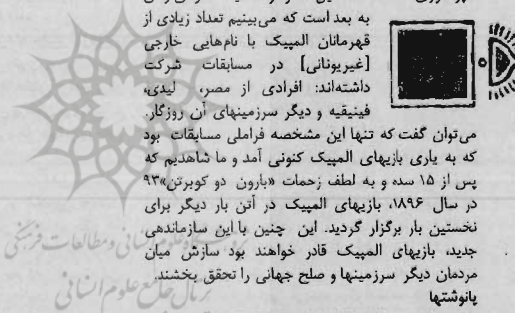
3. Altis

4. Kronos

5. Alphe

6. Klados

۷. (Pelops): در اساطیر، وی پسر تانتال و اصلاً از اهالی آسیای صغیر بود که پس از جنگ Ilos با تانتال به اروپا مهاجرت کرد و در یونان رحل



مجله علمی و مطالعات فرهنگی
پایان فصل علوم انسانی

۳۵. (Ares): معادل مارس در نزد رومیان. وی خدای جنگ و پسر زئوس و هرا بود و به روایت هومر، هر دوی آنها از او نفرت داشتند. در واقع، در سراسر ایلیاد، همیشه از او به نفرت یاد شده است. آرس هیچ شهر یا ولایت خاصی برای خود نداشت تا در آن مورد پرستش قرار گیرد و صاحب پرستشگاه شود

66. Coureter

67. Pindare

68. Phricias de Thessalie

69. Phylacidas d'Égine

۷۰. (Hrodote): ملقب به پدر تاریخ وی تاریخی در ۹ کتاب نوشت که هر یک از آنها به نام یکی از موزها (Muses) است. وقایع نوبان نخستین شاهان هخامنشی در این کتابها آمده است.

71. Lysias

72. Gorgias

73. Anaximene

74. Isocrate

75. Dolichos

76. Hoplites

77. Spondophores

78. Grammateus

79. Alytarque

80. Rhabdophores

81. Epimelete

82. Exagetes

۸۳. نامی که در آن به ۵۰ ستاوری اطلاق می‌شد که کمبیسون دگمی سنا را تشکیل می‌دادند.

84. Cotinos

۸۵. (Thmeistocle): دولت مرد یونانی و فاتح واقعی سالامین. وی سرانجام به موجب قانون استراسیمس، که در اوایل ۴۷۱ پ م مورد توجه واقع شده بود، محکوم و مجبور به جلائی وطن گردید و به دربار پادشاه هخامنشی پناه برد.

86. Plutarque / Plutarachus

۸۷. (chiton) لباس تونیک متعلق به زنان یونان باستان.

۸۸. سبک دری و سبک ایونی از روی زینتهای گوناگون و گچ‌بری‌های مختلف سرستونها به وجود آمدند؛ سبک دری، سبکی به ظاهر سنگین و خشن و مخصوص یونان بری بود و سبک ایونی که ریزه‌کاریهای زیبا و طراقت آن جلب نظر می‌کرد، در قسمت‌های آسیایی یونان رواج داشت.

89. Xenophon

90. Euripide

91. Aristophane

92. Socrate

93. Baron de Couberlin

39. Scyllone

40. Heraion

41. Oinomaos

42. Iamides

43. Iamys

44. Lytiades

45. Archaïques

46. Hellanodice

47. Les Guerres Mediques

48. Heraia

49. Pinios

۵۰. (Polybe): (۱۲۰۲۰۳ پ.م). در مگاوپولیس به دنیا آمد. وی از اعضای فعال مجمع آخایی بود. اثر وی مشتمل بر ۴۰ کتاب است. وی معتقد بود که مورخ باید از جغرافیا سررشته داشته باشد و خود کتاب ۲۸ خویش را به این علم اختصاص داد. از آثار پولیب جز ۵ کتاب اول و قطعات بلندی از کتابهای پنجم تا یازدهم و قطعاتی کوتاه از باقی کتابها، چیزی باز نمانده است.

۵۱. (Artemis): معادل رومی آن هدیانا است. پارهای روایات او را دختر دمیتر دانسته‌اند، ولی اغلب او را خواهر توم آپولون و مانند او، دختر لتو (lto) و زئوس می‌دانند. آرتمیس الهه شکار و یکی از ۳ الهه باکره کوه العیب بوده است.

۵۲. (Aphrodite): الهه عشق و زیبایی و معادل ونوس رومی. در ایلیاد آمده که او دختر زئوس و دیون (Dion) بوده است.

۵۳. (Nymphes): زنان جوانی که در بیلاوات، جنگلها و آبها به سر می‌بردند و آنها را به طور کلی روح مزارع و طبیعت می‌دانستند و معرف حاصلخیزی و لطف و زیبایی آنها محسوب می‌شدند.

۵۴. (Hermes): معادل مرکوری رومی که زئوس پندرش و مایا (دختر افسس) مادرش بوده است. او ایلیچی و پیام‌رسان زئوس بود حضور وی در داستانهای اساطیری بیش از دیگر خدایان است.

۵۵. (Poseidon): معادل نپتون رومی. او فرمانروای دریاها بود و برادر زئوس و از نظر مقام و مرتبه پس از زئوس قرار داشت.

۵۶. (Gymnase): ورزشگاه

۵۷. (Palestre): در یونانی پالایسترا (palaistra) خوانده می‌شد و مکتبی عمومی برای پرورش اندام در نزد مردمان یونان باستان بوده است.

۵۸. (Le Portique des Hellanodices): مکان اعضای هیئت منصفه برای فضלות و دوری بازیها.

59. Bouleuterion

۶۰. (Deme): در یونانی Demos. نام کانتونها، دهات یا اجزای کوچک اداری آتیک باستان.

61. Hiaromai

62. Synecisme

63. Oxylos

64. Cheronee

